

وظایف زنان در زمینه سازی ظهور با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

فاطمه زهرا ستار^۱

چکیده

«غیبت» به دو قسم غیبت کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود. در این عصر، مردم با مقوله انتظار به وصف منتظران نایل می‌شوند. در غیبت بلندمدت که به «غیبت کبرا» مشهور است، مباحث مختلفی نظیر شاخص‌های منتظران، جایگاه منتظران، نقش منتظران، کارکرد منتظران و وظایف منتظران مطرح است که در این جا تنها به بحث وظایف منتظران پرداخته می‌شود. وظایف منتظران از نظر جنسیت به دو قسم وظایف جامعه مردان و وظایف جامعه زنان تقسیم می‌شود که در این نوشتار تنها وظایف زنان منتظر عنوان می‌گردد. اصل وظایف از نظر تنوعی، سه قسم است: وظایف مخصوص مردان، وظایف مخصوص زنان و وظایف مشترک میان مردان و زنان منتظر که در این پژوهش تنها به دو گزینه اخیر، یعنی وظایف مشترک و وظایف مخصوص زنان پرداخته می‌شود. وظایف زنان منتظر در مقام عمل با دو شیوه «خوداندیشی» و «دیگر اندیشی»، اجرایی و عملیاتی می‌شود. در شیوه خوداندیشی، ابتدا زنان منتظر به خودسازی و اصلاحات فردی با رویکرد ایمانی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی و... مبادرت می‌ورزند و در شیوه دیگراندیشی و اصلاحات اجتماعی با رویکرد دیگر سازی در قالب تربیت نسل منتظر، تشویق مردان به حضور در صحنه، آموزش محبت و عشق ورزی به امام زمان به مردان، رعایت حجاب و عفاف و مواردی از این گونه اقدام می‌شود. بی‌شک با توجه به این که نیمی از جمعیت منتظران را جامعه زنان منتظر تشکیل می‌دهند، ضروری است بحث زنان منتظر و وظایفی که این گروه در دوران غیبت کبرا دارند،

به تفصیل با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بحث و بررسی گذاشته شود و از آن جا که طرح بحث باید دارای انسجام ساختاری و نظم معرفتی باشد، قالب و چارچوب این بحث با محوریت اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی در خصوص وظایف زنان در زمینه‌سازی ظهور، پی گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: وظایف منتظران، وظایف زنان، غیبت کبرا، خوداندیشی، دیگراندیشی، آیت‌الله صافی گلپایگانی.

مقدمه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه له دارای دو نوع غیبت، یعنی غیبت کبرا و صغرا می‌باشد؛ به این معنا که یکی طولانی مدت و دیگری کوتاه مدت است و یکی غیبتش کامل و دیگری غیبتش ناقص است و یکی با نقش آفرینی نایبان عام و دیگری با نقش آفرینی نایبان خاص از یکدیگر متمایز می‌گردند. در غیبت کبرا مسائل مختلفی نظیر جایگاه منتظران، وظایف منتظران، نقش منتظران و اوصاف منتظران مطرح است که در این جا تنها به وظایف منتظران پرداخته می‌شود. از آن جا که منتظران به دو قشر زنان و مردان منتظر تقسیم می‌شوند؛ در این نوشتار تنها به وظایف زنان منتظر در بحث زمینه‌سازی ظهور، با تأکید بر اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی پرداخته می‌شود. بی شک از نظر تکوینی با رویکرد ماهیت‌شناختی و از نظر تشریحی با رویکرد دین‌شناختی، میان زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد.^۱ بر اساس این تفاوت‌ها، برخی وظایف و رسالت‌های زنان در خصوص انتظار و زمینه‌سازی ظهور نیز متفاوت و متمایز می‌گردد. از این رو، ضروری است به بررسی و تحلیل نقش زنان و وظایف آن‌ها در خصوص انتظار و زمینه‌سازی ظهور به صورت مستقل پرداخته شود.

به طور کلی در عصر غیبت وظایفی که بر عهده منتظران قرار دارد، متنوع و مختلف است. با نگرش تسامحی می‌توان آن وظایف را به سه قسم تقسیم کرد: وظایف مخصوص مردان، وظایف مخصوص زنان و وظایفی که مردان و زنان در آن مشترک هستند؛ یعنی اجرای این وظایف به

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۱، ص ۲۰۲.

زنان، دون مردان و یا مردان، دون زنان اختصاص ندارد؛ مثلاً ترویج روحیه اصلاح و اصلاح‌گری، ایمان و دین‌مداری، توحید و خدامحوری، تقوا و خداترسی، ایثار و از خودگذشتی، صداقت و درستکاری که از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت است؛ زنان و مردان منتظر به صورت مشترک تحقق و اجرای آن‌ها را بر عهده دارند و در این قسم میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد؛ اما موضوعاتی نظیر تربیت نسل منتظر، رعایت حجاب و عفاف، تشویق مردان به اجرای وظایف منتظرانه، حضور در صحنه‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی در خصوص زمینه‌سازی، درس عاطفه و عشق‌ورزی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به نسل منتظر و عمدتاً به زنان اختصاص دارد. گرچه مردان منتظر نیز می‌توانند در این مسیر گام بردارند؛ اولویت در این موضوعات به زنان منتظر متعلق می‌باشد. البته در این نوشتار به وظایف زنان به صورت مطلق که بعضاً به صورت غالبی به زنان اختصاص دارد و بعضاً به صورت اشتراکی میان زنان و مردان مطرح است، پرداخته می‌شود.

وظایف و رسالت زنان منتظر

به طور کلی وظایف و رسالتی که زنان در عصر غیبت برای زمینه‌سازی ظهور دارند؛ در دو قالب «خوداندیشی» و «دیگران‌دیشی» قابل تقسیم است. در قالب اول، موضوعات و وظایفی مطرح می‌شوند که زنان باید آن‌ها را در خودشان تحقق بخشند و خودشان قبل از هر چیزی باید به آن‌ها مزین و آراسته باشند و عموماً این وظایف با رویکرد اصلاحات فردی توجیه می‌شوند، نظیر اعتقادورزی به خدا، دین و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آراستگی به اخلاق، منش و بینش انسانی و پایبندی به عبادت، بندگی و سبک زندگی اسلامی.^۱

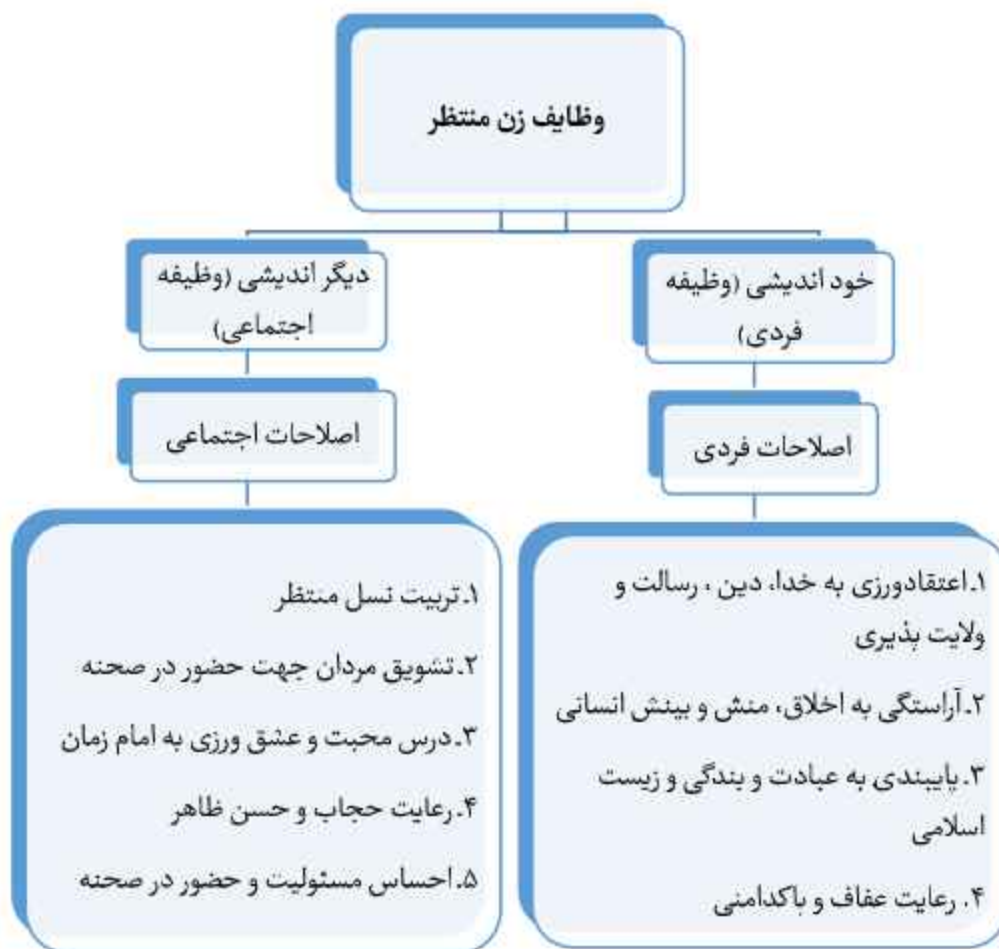
آیت‌الله صافی در این زمینه می‌فرماید:

وظیفه مردم در زمان غیبت و حضور، اطاعت از دستورهای دینی و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن است. بلی، در زمان غیبت دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت و

۱. همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

صدقه دادن برای سلامتی آن بزرگوار و انتظار مقدم مبارکش و به وجود آوردن دولت کریمه و شب و روز به یاد آن حضرت بودن، از وظایف مهمه عصر غیبت است.^۱

اما در قالب دوم که قالب اجتماعی است، موضوعاتی مطرح هستند که بیش تر مربوط به اجتماع و در جهت مراوده با دیگران تعریف می‌شوند؛ زن منتظر، وقتی که به اصلاحات فردی و به خوداندیشی و خودسازی پرداخت، وظیفه و رسالت دیگری به نام دیگراندیشی و دیگرسازی در قالب اصلاحات اجتماعی برای او خودنمایی می‌کند؛ یعنی دیگراندیشی از مسیر خوداندیشی، و دیگرسازی از کانال خودسازی عبور می‌کند؛ زیرا رویه درست همین است که زنان منتظر قبل از آن که دیگران را به مبانی اخلاقی و دینی توصیه و برای زمینه‌سازی ظهور، دیگران را به فعالیت‌های اجتماعی تشویق کنند؛ ابتدا باید خودشان خودساخته و اخلاق مدار و درست کار باشند تا توصیه‌های آن‌ها جهت اصلاحات فردی و اجتماعی در دیگران تأثیرگذار باشد.



الف) خود اندیشی

وظیفه اولیه‌ای که زنان منتظر در عصر غیبت باید به منظور زمینه‌سازی ظهور انجام دهند، «خوداندیشی» است. در واقع خودسازی قبل از دگراندیشی و دگرسازی است؛ زیرا مقوله خوداندیشی در قالب خودسازی و اصلاحات فردی نمایان می‌شود. اصلاحات فردی، اصلاحاتی هستند که زن منتظر بدون ارتباط با دیگران، باید شخصاً به آن‌ها مزین و آراسته باشد؛ نظیر ایمان به خدا، اعتقاد به معاد، باور به رسالت و امامت، اخلاق اسلامی، ولایت‌پذیری و رعایت عفاف و پاکدامنی.

اصلاحات فردی

از جمله وظایف مهم جامعه زنان در عصر غیبت، خودسازی فردی، نظیر آراستگی به ایمان،

اخلاق، رفتار، منش و بینش اسلامی است. به بیان دیگر، وظایف مسلمین به طور فردی، انجام دادن واجبات و ترک محرمات و خودسازی است و نیز تخلق به اخلاق حمیده، مثل تواضع و قناعت و عدل و انصاف و ترحم و مواسات با برادران و خواهران و کسب معارف و آداب اسلامی و عبادات و اشتغال به ذکر و یاد خدا و انجام نوافل.^۱

از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت، علاوه بر رفتار منتظرانه و منش منتظران، باید گفتارشان منتظرانه باشد و برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست به دعا و درخواست بردارند تا خداوند در ظهور امام زمان تعجیل کند.^۲ تحقق این وظایف، در واقع زمینه ساز ظهور خواهد بود. در این جا نمی توان همه موارد خوداندیشی درونی را که در قالب شاخص های اعتقادی، بینشی و کنشی مطرح است، به بحث و گفت و گو گذاشت. بر این اساس به برخی از آن ها اشاره می شود.

۱. زن منتظر و زندگی مؤمنانه

زن منتظر، با زندگی منتظرانه و مؤمنانه که با رویکرد اصلاحات فردی و شخصی توجیه می شود، باید به شاخصه ایمان و اعتقاد قلبی نسبت به خدا، معاد، رسالت، امامت و مهدویت مزین باشد. زن منتظر، در کنار کارهای روزمره و همراهی با خانواده و مشارکت در امور زندگی که همگی به نحوی به امور دنیایی و امرار معاش بشر مربوط می باشد، باید به شاخصه های متعالی، نظیر خدامحوری، دین محوری، ولایت پذیری مزین باشد.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۶.

من نخواهند کرد»^۱.

در این آیه شریف، خداوند حکمرانی نیکوکاران را وعده داده است؛ وعده‌ای که در آن تخلف معنا ندارد و از خدای حکیم قبیح و محال است در آن تخلف کند. مخاطب وعده الهی نیز به صورت مطلق، مرد و زن منتظر را شامل می‌شود. تحقق وعده الهی که همان ظهور و تحقق وراثت منتظران بر روی زمین است، بر دو امر مهم به نام ایمان و صلاحیت مشروط و از این دو امر مهم متفرع می‌باشد؛ یعنی خداوند حکیم به زنان و مردان منتظر که دارای دو شاخص ایمان و صلاحیت می‌باشند، وعده داده است که وارثان و حاکمان زمین شوند تا به اهدافی چون استقرار دین حق، آرامش فراگیر و امنیت همه جانبه و در نهایت به عبادت و بندگی و دوری از شرک و بت پرستی برسند. بی‌تردید شاخص‌هایی که در آیه مذکور آمده‌اند، همگی با رویکرد فردی و شخصی توجیه می‌شوند و زنان منتظر باید این شاخص‌ها را در خود تحقق بخشند؛ یعنی زن منتظر با وصف ایمان و صلاحیت باید به وعده‌های الهی ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد و در مسیر رسیدن به عبادت، بندگی، آسایش و امنیت در پرتو دین حق کوشا و پر تلاش باشد.

زندگی منتظرانه و مؤمنانه در روایات

در روایات معصومان علیهم‌السلام شاخص‌ها و شرایط مختلفی برای زیست منتظرانه و مؤمنانه با رویکرد فردی و اجتماعی مطرح شده است. در ادامه به شاخص‌هایی پرداخته می‌شود که بیش‌تر با رویکرد فردی تعریف شده و در میان ارتباط چهارگانه فرد با خود، با خدا، با مردم و با طبیعت، مباحث در زمینه دو گزینه اولی، یعنی ارتباط، فرد با خود و با خدا باشند.

امام رضا علیه‌السلام در زمینه زیست منتظرانه و مؤمنانه می‌فرماید:

مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِنَّةُ وَالصَّدَقُ وَالصَّلَاحُ وَالْاجْتِهَادُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ
وَوَطُولُ السُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمُحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛ از جمله

۱. نور: ۵۵.

دین ائمه علیهم السلام تقوا، پاکدامنی، راستگویی، صلاح، اجتهاد، رد امانت به نیکوکار و فاجر، سجده طولانی، شب زنده داری، دوری از محرمت و انتظار فرج همراه با صبر است.^۱

بر اساس روایت مذکور، زندگی مؤمنانه با شاخص‌هایی نظیر تقوا و خداترسی، عفت و پاکدامنی، صدق و راستگویی، صلاحیت و درستکاری، تلاش و اجتهاد، امانت و امانت داری، عبادت و بندگی، و دوری از محرمت و گناه، به زندگی منتظرانه تبدیل می‌شود و لذا فاصله میان زندگی منتظرانه و مؤمنانه شاخص‌هایی هستند که در روایت پیش گفته به آن اشاره شده است. به بیان دیگر، فرد منتظر به طور عام و زن منتظر به طور خاص زمانی از زندگی مؤمنانه به زندگی منتظرانه می‌رسد که همه شاخص‌های مذکور را که بیش‌تر با رویکرد فردی و شخصی (اصلاحات فردی درونی) تعریف می‌شود، در زندگی خود به درستی تحقق بخشد.

در مورد تحقق زندگی مؤمنانه و منتظرانه، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که دقیقاً به بیان شاخص‌هایی می‌پردازد که قبولی اعمال انسان منتظر متفرع بر آن‌ها می‌باشد:

لَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَغْنِي الْأُمَّتَةَ خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ عجل الله فرجه؛ شما را خبر ندهم از چیزی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی‌پذیرد؟^۲ عرض کردم: بفرمایید. حضرت فرمود: «گواهی دادن بر این که معبودی جز الله نیست و این‌که محمد صلی الله علیه و آله بنده او و فرستاده او است، و اقرارکردن به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما، یعنی ما امامان بخصوص و تسلیم‌شدن به آنان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم بودن».^۲

بر اساس روایت مذکور، زمانی باورمند اسلامی، از جمله زن منتظر می‌توان قبولی اعمال و

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

عبادات را مدعی باشد که موارد و مؤلفه‌های ذیل را داشته باشد: اولاً، ایمان به خدا و یگانگی او؛ ثانیاً، ایمان به رسالت و پیامبر گرامی اسلام ﷺ؛ ثالثاً، اعتقاد به اوامر و نواهی الهی؛ رابعاً، ولایت‌پذیری و همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام؛ خامساً، دوری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و بیزاری از آن‌ها؛ سادساً، اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام و تسلیم در برابر آن‌ها؛ سابعاً، تقوا و خداترسی؛ ثامناً، تلاش و کوشش در امر دین؛ تاسعاً، اطمینان و توکل به خدا و عاشرأ، امید و انتظار به فرج امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری.

شاید در ترتب شاخصه‌های ده‌گانه که وصف انتظار فرج، به عنوان آخرین شاخصه بیان شده است، نکته لطیفی باشد؛ به این بیان که انتظار فرج نتیجه بخش و منتهی الیه همه شاخصه‌های نه‌گانه بوده و زندگی منتظرانه زمانی زندگی مؤمنانه و منتظرانه می‌شود که همه شاخصه‌های نه‌گانه را داشته باشد.

در مجموع، جایگاه زن در اسلام رفیع و باقداست و بااحترامی خاص است. در همه ارزش‌ها که رأس و اساس آن‌ها، ایمان و ثواب عبادات و طاعات و مقامات و درجات حقیقی است؛ زن، از مرد کم‌تر نیست، و در میدان مسابقه فردی، بسا زن‌ها که بر بیش‌تر مردها برتری می‌یابند، و در این میدان، باعث ترقی و تقرب به خدا، ابراهیم‌وار و اسماعیل‌سان تسلیم امر خدا بودن و احکام خدا را از دل قبول داشتن است.^۱

۲. زن منتظر و اخلاق منتظرانه

«اخلاق» در مفهوم‌شناسی و اصطلاح‌شناسی به صفات و ملکات نفسانی گفته می‌شود که در باطن انسان «نهادینه» شده است. البته برخی قید «پایدار» را قبول ندارند، بلکه صفات درونی غیر پایدار را نیز در قالب صفات اخلاقی تعریف می‌کنند و برخی دیگر قید «فضل» را بر صفات و ملکات اضافه و تعریف اخلاق را به فضایل اخلاقی منحصر می‌کنند.^۲ برخی دیگر، برون‌داد و

۱. صافی، معارف دین، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲. مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۰.

رفتار اخلاقی را در تعریف اخلاق وارد می‌کنند و اخلاق را به طور کلی به صفات و ملکات، اعم از پایدار و غیرپایدار و نیز به رفتار و اعمال برآمده از آن‌ها و اعم از خوی‌های پسندیده و ناپسند و اعم از اخلاق فردی و اجتماعی دانسته و همه را در قالب تعریف اخلاق آورده‌اند.^۱

مراد از مفهوم اخلاق در این جا در میان تعاریف مختلف، «فضایل اخلاقی» است.

میان فضایل اخلاقی و انتظار، رابطه وثیق و مهمی وجود دارد؛ زیرا از یک طرف انتظار بسترساز فضایل اخلاقی و از طرف دیگر، فضایل اخلاقی بسترساز ظهور می‌باشد. بی شک هدف علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت که همان قرب الاهی است، برساند و بالتبع هدف انتظار این است که انسان را به کمال و سعادت منتظران که همان ظهور باشد، برساند و در نهایت، بعد از رخداد ظهور، انسان را به کمال نهایی که همان قرب الی الله باشد، خواهد رساند.

انتظار پویا، زمینه ساز اخلاق نیکو در زنان منتظر

باورمندی به انتظار و اعتقادورزی به امام حی و زنده که بر اعمال و رفتار ما منتظران اعم از زن و مرد مربوط می‌باشد، حس خود نظارتی و خود کنترلی را در وجود ما تقویت می‌کند و زمینه ساز مانعیت از شکل‌گیری صفات بد و رفتار ناپسند و به طور کلی مصونیت از رذایل اخلاقی می‌شود. اعتقاد به انتظار دو نوع کارکرد اخلاقی عام و کارکرد اخلاقی خاص را برای باورمندان به ارمغان می‌آورد.

در کارکرد اخلاقی عام، وقتی که منتظران به انتظار و امام زنده باور و اعتقاد داشته باشند که ایشان بر اعمال و رفتار آن‌ها، اعم فردی و اجتماعی، ظاهری، باطنی، فکری و اعتقادی، نظارت و آگاهی کامل دارد؛ خود به خود حس خود نگهداری و پایبندی به اخلاق و رفتار اسلامی در منتظران احیا و تقویت می‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ هر کس که از بودنش در شمار یاران امام قائم شادمان است، باید در انتظار به سر ببرد و با همین حال انتظار به پرهیز و

۱. جمعی از نویسندگان، شناخت اخلاق اسلامی، ص ۲۲.

اخلاق نیکو رفتار کند.^۱ در این روایت به دو نوع شاخص فردی که باید منتظران بدان آراسته باشند، اشاره شده که یکی در ارتباط با خلق و دیگری در ارتباط با خالق می باشد؛ یعنی منتظران واقعی با خداترسی و رعایت پرهیزکاری ارتباط خویش را با خدا تنظیم و تصحیح می کنند و با بهره مندی از اخلاق نیکو و اسلامی، رابطه خویش را با هموعان انتظام و سامان می بخشند.

در کارکرد اخلاقی خاص، مقوله انتظار بر اساس ماهیت شناختی مورد بررسی و سنجه قرار می گیرد؛ زیرا انتظار از نظر ماهیت و مفهوم دارای شاخص هایی است که از درون و حاق انتظار بر می خیزند، نظیر صبر، مقاومت و امیدواری؛ و انتظار ماهیتاً بدون نگاه بیرونی حاوی این شاخصه ها است، یعنی اگر انتظار را از لحاظ مفهوم شناسی مورد واکاوی قرار دهیم؛ ملاحظه می شود که انتظار، یعنی صبر و چشم به راه بودن و در واقع، صبوری (مقاومت) ورزیدن برای آمدن منجی و به معنای امیدواربودن به رخداد ظهور است. در واقع به نوعی این شاخص های خاص با دلالت های التزامی از مفهوم و ماهیت انتظار قابل استنباط است. پس مقوله انتظار در کارکرد خاص، زمینه ساز اخلاق خاص، نظیر صبر، مقاومت و امیدواری است. بنابر این، انتظار با نگرش عام زمینه ساز اخلاق عام و با نگرش خاص زمینه ساز اخلاق خاص می باشد.

اخلاق نیکوی زن منتظر، زمینه ساز انتظار پویا

رخداد ظهور، متفرع بر انتظار پویا است. انتظار پویا تداعی گر ظهور و شایستگی منتظران، به ویژه زنان منتظر است. شایستگی و لیاقت منتظران گویای آمادگی و بایستگی آن ها برای ظهور خواهد بود. به طور کلی رخداد ظهور، به افعال سه گانه خدا، امام و منتظران وابسته می باشد. به عبارت دیگر، رخداد ظهور بر شکل گیری سه اراده، یعنی اراده خدا، اراده امام و اراده منتظران متفرع می باشد. اراده خدا در نقش علت اصلی و اراده امام و مردم در نقش علت تمهیدی خواهد بود. اراده خدا و امام برای رخداد ظهور همیشه وجود داشته و خواهد داشت. در این میان، عدم رخداد ظهور تنها به فعل و اراده منتظران باز می گردد و فقدان اراده جدی و عزم راسخ منتظران،

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

اعم از زن و مرد که در قالب عدم آمادگی کامل نمایان می‌شود، زمان ظهور را به تأخیر انداخته است. پس رخداد ظهور بعد از اراده خدا و امام، به آمادگی مردمان و جامعه منتظر متکی می‌باشد. این آمادگی باید آمادگی کامل و جامع باشد و در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی، دینی و اخلاقی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و تمدنی بروز داشته باشد. از جمله آمادگی منتظران که بر رخداد ظهور نقش مهم و تأثیرگذار دارد، آمادگی اخلاقی منتظران است که در این پژوهش به زن منتظر اشاره شده است و این نکته عنوان گردیده که اراده خانواده و تربیت نسل منتظر بر عهده اوست و لذا باید از نظر اخلاقی و منش رفتاری طوری به تعالی و رشد رسیده باشد که به مثابه منتظر، صالح، صبور، مقاوم، خداترس، ظلم ستیز، مظلوم نواز و عدالت پیشه باشد تا همسختی و همنوایی میان زن منتظر با امام منتظر و جامعه زنان منتظر با جامعه زنان منتظر برقرار شود؛ زیرا بر اساس فرمایش قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای اخلاق بزرگی است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ و بر اساس فرمایش رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ از نظر اخلاق و منش شبیه‌ترین فرد به ایشان است: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا»^۲ پس امام مهدی دارای اخلاق عظیمی است.

از این رو، زنان منتظر که بخش قابل توجهی از جمعیت جامعه منتظران را به خود اختصاص داده‌اند و در مسیر زمینه‌سازی ظهور و رخداد آن دارای مسئولیت‌های عظیم و تأثیرگذاری هستند و مدیریت نهاد مهم خانواده و تربیت نسل منتظر به آن‌ها واگذار شده است؛ باید از نظر اخلاق و رفتار در زمینه اخلاق امام منتظر که دارای اخلاق عظیم و بزرگی است، به اخلاق اسلامی و انسانی در حد اعلا متخلق باشند تا هم‌سختی و هم‌پوشانی میان اخلاق منتظر و اخلاق منتظر معنا پیدا کند.

ب) دیگر اندیشی

زن منتظر بعد از آن که به خوداندیشی که همان خودسازی و رعایت شاخص‌های نیک فردی،

۱. قلم: ۴.

۲. خزازه رازی، کفایت الاثر، ص ۲۶۷.

اعم از اصلاحات درونی و بیرونی است، پرداخت و به خصال نیک و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری مزین شد، به دیگراندیشی با رویکرد اجتماعی خواهد پرداخت. بر این اساس، وظایف همه منتظران، از جمله زن منتظر، به طور عموم، همکاری با یکدیگر در اعلا‌ی کلمه اسلام و دفاع از کیان اسلام و مسلمین و امر به معروف و نهی از منکر و دفع بدع و ظلم ظالمان و ستمکاران و خلاصه اهتمام به همه اموری است که موجب عزت و ظهور شوکت مسلمین و خودکفایی و بی‌نیازی از بیگانگان و دفع استکبار و استیلا‌ی کفار و مخصوصاً حفظ هویت و شخصیت و استقلال اسلامی در همه موارد می‌باشد.^۱ بی‌شک شاخص‌هایی که منتظران، اعم از زن و مرد بدان مزین هستند و با وجود آن‌ها به نحوی از جامعه غیرمنتظر جداسازی می‌شوند، از طریق اعتقاد به انتظار حاصل می‌شود.

پس معلوم می‌شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه چگونه فکر و اندیشه را آینده‌گرا می‌سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می‌کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ، در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل‌تر و صحیح‌تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است؛ آشنا می‌نماید.^۲

بی‌تردید عقیده به انتظار از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می‌کند و از سستی و ترك وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد.^۳

۱. تربیت نسل منتظر

زن منتظر در خانواده که کانون تربیت نسل منتظر است، نقش بی‌بدیل و تأثیرگذار دارد. سرنوشت بشر نیز با ایفای این نقش رقم می‌خورد؛ زیرا به صورت طولی و سلسله‌مراتبی، اولاً، زن

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۳۷.

در خانواده نقش بی‌بدیلی دارد؛ ثانیاً، خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی در جامعه نقش مهمی دارد؛ ثالثاً، جامعه خوب در سرنوشت بشر نقش مهم و تأثیرگذاری دارد؛ رابعاً، پس زن با واسطه در سرنوشت انسان‌ها دارای نقش خطیری است.

شاخص‌هایی که خداوند به صورت تکوینی در وجود زن قرار داده است، نظیر تحمل بالا، جان‌فشانی، عشق‌ورزی و از خودگذشتگی، برای تربیت نسل انسان بسیار مهم و حیاتی هستند. این شاخص‌ها کم‌تر در وجود مرد پیدا می‌شوند و کم‌تر مردان برای تربیت نسل بشر به ابزاری مثل بردباری، عشق‌ورزی، ایثار و جانفشانی مسلح هستند. از این رو بر اساس داده‌های علم روانشناسی، پژوهاک سخنان مادر در روح و جان فرزندان و هدایت بخشی آن‌ها از سخنان پدر به مراتب تأثیرات بیش‌تری دارد.

در تاریخ اسلام، در برهه‌های مختلف، نقش‌آفرینی زنان در تربیت و هدایت بخشی مردان به خوبی قابل رصد و نشانه‌گذاری است؛ مثلاً مردانی که در قیام عاشورا حماسه آفریدند، دست‌پرورده و تربیت‌شده دامان زنان شجاع، باایمان، فداکار و مؤمنی بودند که آن زنان چنین فرزندانی به اسلام و جامعه اسلامی تحویل دادند. بررسی شخصیت مادران شهدای کربلا و میزان تأثیر تربیت آنان بر حماسه حسینی نمونه‌های بارز این نقش‌آفرینی زنان مسلمان است. به عنوان مثال، حضرت علی علیه السلام برای این که بتواند شخصیتی همچون «عباس علیه السلام» را به نهضت حسینی تحویل دهد، از برادرش، عقیل خواست تا همسری از خانواده شجاع انتخاب کند. آری، «ام‌البنین»، آن بانوی فداکار و باایمان بود که فرزندی همچون عباس به اسلام تحویل داد. این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که بهره‌مندی جامعه از انسان‌های بزرگ، تاریخ‌ساز و فداکار نیازمند آن است که در درجه نخست از وجود زنانی شجاع، باایمان، عقیق و فداکار بهره‌مند باشد؛ چنان که حضرت امام خمینی در بیان جایگاه زن در تربیت نسل انسان می‌فرماید:

زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند

می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.^۱ زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.^۲

از جمله شاخص‌های مهم زن در محیط خانواده از دیدگاه قرآن کریم، آرام‌بخش بودن اوست که در آیات مختلفی بدان اشاره شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۳؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا به واسطه آن آرامش یابید. «همچنین در آیه دیگر آمده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۴. بی‌شک در فضای آرام خانواده که با محوریت زن منتظر و درایت او مدیریت می‌شود، تربیت نسل منتظر به آسانی تحقق پیدا می‌کند.

در روایات و سنت عملی حضرات معصومان علیهم‌السلام زن دارای جایگاه مهم در مسیر رشد و ترقی و دارای مسئولیت خطیر در خانواده می‌باشد و در این خصوص، روایات فراوانی از پیامبر گرامی اسلامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نقل شده است. مثلاً رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است.»^۵ نیز آن حضرت می‌فرماید: «فَالرَّأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ زن در خانواده نگهبان فرزندان و اهل خانه و نسبت به آن‌ها مسئول است.»^۶

به طور کلی اسلام برای زنان وظیفه مهمی مشخص کرده است و آن‌ها را علاوه بر همدوشی و همترازی با مردان، در مسیر تعالی و رشد معنوی خودکفا و مستقل می‌داند و مسئولیت‌هایی را بر اساس رویکرد تکوینی، ترجیحاً بر عهده زن قرار داده است که تربیت نسل بشر به طور عام و تربیت

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۳۹.
۲. همان، ج ۷، ص ۳۴۱.
۳. روم: ۲۱.
۴. اعراف: ۱۸۹.
۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.
۶. ورام، مجموعه ورام، ص ۵۷.

نسل منتظر به طور خاص از جمله آنها است. پس در عصر غیبت، زنان منتظر در کنار مسئولیت‌های مشترکی که با مردمان منتظر در مسیر زمینه‌سازی ظهور دارند، دارای مسئولیت‌های مهمی، نظیر مدیریت خانواده و تربیت نسل منتظر می‌باشند که بر اساس رویکرد تکوینی و داده‌های قرآنی و روایی زنان بر مردان در این امر مرجح و دارای اولویت می‌باشند.

۲. تشویق مردان به حضور در صحنه

از جمله وظایف مهم زنان منتظر در عصر غیبت، علاوه بر حضور و مشارکت فردی در صحنه، زمینه‌سازی و تشویق مردان برای حضور بیش‌تر در صحنه‌های اجتماعی است. در طول تاریخ اسلام در برهه‌های مختلف، شاهد حضور جدی زنان در صحنه‌های میدانی، اعم از مبارزاتی و فرهنگی و نیز شاهد حرکت دادن و تشویق کردن مردان به سوی صحنه‌های مبارزاتی و فرهنگی هستیم؛ نظیر غزوات رسول گرامی اسلام و ائمه علیهم‌السلام و نیز در قیام سید الشهداء علیه‌السلام و روز عاشورا؛ چه بسیار زنانی بودند که علاوه بر مشارکت، عامل مشارکت و حضور مردان در صحنه شده‌اند. یکی از یاران فداکار و با وفای امام حسین علیه‌السلام زهیر بن قین است. زهیر از چنان شایستگی و لیاقتی در صحنه کربلا برخوردار بود که از سوی امام علیه‌السلام به فرماندهی جناح راست سپاه منصوب گردید.

در شب عاشورا وقتی امام حسین علیه‌السلام بیعت خود را از یارانش برداشت و آنان را میان ماندن و رفتن آزاد گذاشت؛ یاران امام علیه‌السلام به نحوی اظهار وفاداری کردند. زهیر بن قین در این میان به امام علیه‌السلام عرض کرد: «به خدا سوگند! دوست داشتم هزار مرتبه کشته می‌شدم و خداوند به وسیله آن تو و اهل بیتت را از کشته شدن حفظ می‌کرد.»^۱ چنین شخصیتی با این همه عظمت و بزرگواری در آغاز در یاری کردن امام علیه‌السلام مردد بود و بر اثر تشویق و هشدار همسرش (دیلیم، دختر عمرو) در راه حسین علیه‌السلام گام نهاد.^۲

۱. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۲.

۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)، ج ۴، ص ۲۹۸.

یکی از یاران زهیر می‌گوید: در سال ۶۰ هجری ما با گروهی همراه زهیر در مراسم حج شرکت کردیم. در راه بازگشت سعی می‌کردیم از امام حسین علیه السلام فاصله بگیریم، تا این که ناچار در منزلی فرود آمدیم که امام علیه السلام نیز با یارانش در آن جا فرود آمده بودند. پس از آن که مشغول صرف غذا شدیم، ناگاه فرستاده امام علیه السلام وارد شد و پس از سلام به زهیر گفت: امام علیه السلام از تو خواسته که نزد او بروی. با شنیدن این جمله بهت و حیرت آن چنان اهل مجلس را فرا گرفت که هر کس، هر چه در دستش بود، از دستش افتاد. در آن فضای بهت و حیرت و سکوت ناگاه صدای همسر زهیر بلند شد که سبحان الله! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تو می‌خواهد که نزدش بروی و تو از این کار خودداری می‌کنی؟ چه می‌شود که اگر به نزد او بروی و سخنش را بشنوی؟ همین یک جمله به منزله جرقه‌ای بود که زهیر را به حرکت وا داشت. او پس از ملاقات با امام علیه السلام حال و هوای دیگری پیدا کرد و چهره‌اش نورانی و درخشان گردید.^۱ شاید اگر زهیر از همراهی چنین همسری برخوردار نبود، به آن همه افتخار و ایثار دست نمی‌یافت. بدون شک اگر جامعه آن روز تعداد بیش‌تری از این گونه همسران فداکار و زنان با ایمان در اختیار داشت، اشخاص بیش‌تری همانند زهیر به تاریخ تحویل می‌داد.

یکی از این زنان فداکار و نمونه تاریخ، مادر وهب بن عبدالله کلبی است. او با فرزند و عروس خود در صحنه کربلا حضور یافتند. در روز عاشورا، مادر وهب به فرزندش گفت: فرزندم برخیز و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کن! وهب به میدان رفت و پس از آن که تعدادی از سپاه عمر سعد را به هلاکت رساند، نزد مادر بازگشت و به او گفت: ای مادر! آیا از من راضی شدی؟ مادر وهب پاسخ داد: از تو راضی نمی‌شوم تا این که در حمایت و دفاع از فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت برسی. پس از شهادت وهب، مادرش به بالین فرزند آمد و شروع کرد خون‌های چهره او را پاک کند. شمر که ناظر این صحنه بود به غلامش دستور داد با عمود ضربه‌ای بر سر مادر وهب وارد کند. بر اثر آن ضربه، سر مادر وهب شکافته شد و در کنار بدن فرزند به شهادت رسید. این

۱. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۴۵۲ و فتال نیشابوری، روضة الراءعظین، ج ۲، ص ۱۷۸.

نخستین زنی بود که در قیام امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.^۱

در عصر غیبت که نقش زنان در امور فردی و اجتماعی نقش مهم و سرنوشت ساز است، زنان منتظر دو مسئولیت دارند: تقویت حضور فردی و مشارکت شخصی در صحنه های اجتماعی تقویت و نیز زمینه سازی مشارکت جدی مردان، اعم از همسران و فرزندان خود در صحنه های اجتماعی اعم از فرهنگی، سیاسی و نظامی و در واقع، در برابر دشمنان اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به تقویت روحیه مبارزاتی خود و مردان همت کنند؛ زیرا:

زیرا نشستن و تسلیم شدن و کناره گیری کردن و تماشاگر صحنه های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن؛ هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له و فلسفه انتظار موافقت ندارد.^۲

۳. رعایت حجاب

بحث حجاب و پاکدامنی، مسئولیت همه مسلمانان اعم از مردان و زنان است؛ چنان که خداوند متعال در قرآن خطاب به مردان می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»؛ به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند.^۳ و خطاب به زنان می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»؛ و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.^۴

در عصر غیبت، حجاب و عفاف، مهم تر و تأثیرگذارتر است و منتظران در زمینه سازی ظهور باید در این خصوص دقت و مواظبت بیش تری داشته باشند. در واقع، رعایت پوشش و عفاف برای همه باورمندان اسلامی، اعم از زن و مرد لازم و ضروری است؛ اما در مورد زنان سفارش

۱. ابن طاووس، لهوف، ص ۶۳.

۲. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۱.

۳. نور: ۳۰.

۴. همان: ۳۱.

بیش‌تری شده است؛ زیرا زنان مظهر جمال و زیبایی هستند و مردان مظهر شیفتگی و دلدادگی می‌باشند. بر این اساس، در اسلام بر حجاب و عفاف زنان تأکید فراوانی شده است.

واژه حجاب با واژه «ستر» (پوشیدن، پوشش، حائل، پرده، حجاب و مانع) مترادف است. در نگرش فقهی، واژه «ستر» به معنای پوشش به کار رفته است؛ اما استفاده از واژه حجاب در مورد پوشش زن، مفهوم نسبتاً جدیدی است. براساس آن چه در متون اسلامی با رویکرد قرآنی و روایی آمده، معنای پوشش اسلامی آن است که زن در مواجهه و تعامل با افراد نامحرم بدن خود را بپوشاند و خودنمایی نکند. بنابراین، حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد «ایجابی» و «سلبی» است. در بعد ایجابی پوشش اسلامی ضرورت دارد و در بعد سلبی اجتناب از خودنمایی بدنی لازم است.

بر این اساس، بر زنان مسلمان، بالاخص زن زمینه ساز ظهور لازم است که در جهت رعایت حجاب کامل که همان حجاب اسلامی است، به هر دو بعد حجاب توجه کرده و هر دو بعد را در کنار یکدیگر به درستی اجرا کنند.

شایان ذکر است که در نگرش اسلامی، حجاب از احکام ضروری اسلام است که عموم مسلمانان در رعایت آن اتفاق نظر و کتاب، سنت، فقه و سیره اسلامی بر آن صراحت دارند.

اصل وجوب حجاب فی الجمله، از ضروریات اسلام است، و دلیل آن قرآن کریم و روایات شریفه و اجماع علمای اسلام است، و حکمت آن واضح است، و مفسده بی‌حجابی و یا بدحجابی بر هر عاقلی روشن است.^۱

بی‌شک با رعایت حجاب کامل اسلامی، زمینه احیای مولفه‌های دیگری نظیر تقوا، عفت، حیا، نجابت، وقار، پاکی، ظرافت، فضیلت، صلابت، سلامت جسمی و روانی و متانت فراهم می‌شود و با فراهم آوری این شاخص‌ها زمینه آمادگی، شایستگی و بایستگی ظهور در جامعه مهیا می‌شود.

در زمینه عفت و حجاب زن، آنچه از تعالیم اسلام استفاده می‌شود، پوشش زن مثل چادر و عبا

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۳، ص ۳۹۹.

مناسب است و نیز هر چه فراگیرتر و مانع از نمایش حجم اعضا و مفاتن بدن باشد و تنگ و اندام‌نما نباشد. چنین حجابی در بین بانوان مسلمان متعارف شد و بانوان به آن متعهد شدند.^۱ آیت‌الله صافی گلپایگانی در جهت توجیه حکمت حجاب و مفسد بی‌حجابی با مستندات قرآنی می‌فرماید:

«اگر اهل بصیرت با دقت و تعمق در جمله اخباریه قرآنیّه «ذَلِكُمْ اُظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِمْ» که بعد از جمله انشائیّه «وَ اِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ وَّرَاءَ حِجَابٍ» است؛ نظر نمایند؛ بخش مهمی از حکمت‌های حجاب و مفسد اختلاط زنان با مردان بیگانه و جلسات و مجامع و مدارس و دانشگاه‌های مختلف معلوم می‌شود و به نقطه نظر شارع مقدّس - که صیانت جامعه از فساد و بی‌عفتی و فحشا است، آگاه می‌گردند.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۵۰.

نتیجه‌گیری

در عصر غیبت، منتظران اعم از مردان و زنان، همگی در مسیر زمینه‌سازی ظهور باید نقش ایفا کنند و با نقش‌آفرینی همه منتظران، جامعه به طرف آمادگی پیش خواهد رفت و با آمادگی، مردم به لیاقت و شایستگی لازم و در نهایت به بایسته‌های ظهور می‌رسند. در میان منتظران، زنان که نیمی از جمعیت منتظران را به خود اختصاص داده‌اند، دارای نقش مهم و تأثرگذاری هستند. این نقش‌آفرینی در دو بعد فردی و اجتماعی با دو رویکرد «خوداندیشی» و «دیگران‌دیشی» در جامعه منتظران اجرایی و عملیاتی می‌شود. در بعد فردی، ابتدا جامعه زنان منتظر با خوداندیشی به اصلاح و خودسازی می‌پردازند و با پایبندی به تقوای الهی، ایمان به خدا، ولایت‌پذیری، معرفت به امام، دین‌مداری و زیست اسلامی؛ زمینه ورود به اصلاحات اجتماعی با رویکرد دیگران‌دیشی در قالب مؤلفه‌هایی نظیر پرورش و تربیت نسل منتظر، حضور در صحنه و تشویق مردان، به منظور مشارکت در امور اجتماعی، رعایت حجاب و عفاف، آموزش محبت‌ورزی و علاقه‌مندی به امام، به سوی زمینه‌سازی ظهور به پیش می‌روند.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن طاووس، لهوف، *انوار الهدی*، قم، بی تا.
۲. امام خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۰.
۳. جمعی از نویسندگان، *کتاب شناخت اخلاق اسلامی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۴. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایت الاثر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۱.
۶. _____، *معارف دین*، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۷۹.
۷. صدوق، محمد، *خصال*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضه الواعظین*، رضی، قم، بی تا.
۹. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۳۰.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک* (تاریخ الطبری)، دارالتراث، بیروت، ۱۹۶۷م.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. مفید، محمد، ارشاد، *کنگره شیخ مفید*، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. نعمانی، محمد، *غیبت نعمانی*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۱۴. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۵. ورام، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستانه قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.